

شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شبکه‌های سیاسی در جهت حکمرانی خوب

دریافت: ۱۳۹۲/۶/۳۰

پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۱

نغمه عبادی *

آرین قلی‌پور **

چکیده

در جوامع عصر حاضر مردم‌سالاری به الزامی برای حکمرانی تبدیل شده که مشروعیت آن نیازمند ارتباط دولت با شهروندان است. شکل‌گیری این ارتباط از یک سو سبب می‌شود مسائل عمومی به جای منافع خواص در دستور کار دولتمردان قرار گیرد و از سوی دیگر تعامل شهروندان با یکدیگر، تفاوت آراء را کمرنگ و منفعت جمعی را برجسته می‌سازد. هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شبکه‌های سیاسی است. به منظور تحقق این هدف از روش تحقیق آمیخته استفاده شد. در گام اول با ۱۲ نفر از خبرگان مصاحبه شد و سپس مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل تیم مورد تحلیل قرار گرفت. بعد از شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شبکه‌های سیاسی از نظر خبرگان، پرسشنامه‌ای در بین ۳۷۰ نفر از شهروندان منطقه شش تهران توزیع گردید. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که در نظر شهروندان مهمترین عامل اثرگذار برای افزایش حضور در شبکه‌های سیاسی توسعه شبکه‌های اجتماعی است که می‌تواند حضور فعال در عرصه‌های سیاسی را در آنان نهادینه سازد. مفاهیم کلیدی: شبکه‌های سیاسی، مشورت سیاسی، تعامل شهروندان-دولت، روش تحقیق آمیخته.

* دانشجوی دکتری مدیریت دانشگاه تهران (N.ebadi@ut.ac.ir)

** دانشیار دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

مقدمه

در طول ۵۰ سال گذشته مفهوم اداره امور عمومی با گذر از اداره امور عمومی سنتی، مدیریت دولتی و مدیریت دولتی نوین به مرحله چهارم خود یعنی حکمرانی خوب رسیده است. حکمرانی سازوکارها و فرایندهایی را در بر می‌گیرد که از طریق آنها شهروندان و گروه‌ها می‌توانند منافع خود را مورد بحث قرار داده، تفاوت‌ها را کمرنگ ساخته و احقاق حقوقشان را تضمین نمایند. فعال شدن بخش جامعه مدنی در کنار بخش دولتی و خصوصی در حکمرانی متضمن پاسخگویی هر دو بخش بوده و مشارکت شهروندان در سیاستگذاری‌ها را تسهیل می‌سازد (Shabbir Cheema, 2007).

برای حکمرانی دموکراتیک تعامل بین شهروندان و دولت ضروری است. این ارتباط آزاد نخست، به شهروندان کمک می‌کند تا از موقعیت‌هایی که باید درباره آنها تصمیم بگیرند، درک صحیحی به دست آورند؛ دوم، با داشتن کارکرد مشورتی^۱، امکان بحث پیرامون مسائل عمومی را فراهم می‌نماید؛ سوم، ارزیابی و انتقاد از قدرت‌های تثبیت شده را امکان‌پذیر می‌سازد. در همین راستا رو^۲ بیان می‌کند مبادله آزاد اطلاعات و ایده‌ها از طریق تعامل شهروندان-دولت عامل کلیدی موفقیت دموکراسی است (Rho, 2004). در حقیقت نظام‌های مردم‌سالار نیازمند مناسباتی مابین دولت و ملت هستند که در آن شهروندان دیدگاه‌های سیاسی خود را آزادانه در هر دو شکل بیان عقاید و انجام کنش سیاسی ابراز دارند (Ramsey, 2008).

علاوه بر این وجود دولت دموکراتیک مبتنی بر توافق شهروندان است. از این رو باید روش‌هایی را به منظور ایجاد توافق، تصحیح و گسترش دیدگاه‌های عمومی بیابد. تحقق این امر نیازمند بحث مستمر بین شهروندان است تا مسائل عمومی را طرح^۳ کرده، برای حل مسائل (مبتنی بر دستورکار) راه‌حل‌های جایگزین ارائه داده، از راه‌حل‌ها با استفاده از استدلال و منطق حمایت نموده و در نهایت از طریق تشویق بعضی از بدیل‌ها نتیجه‌گیری نمایند (Rho, 2004). در حقیقت شهروندان از طریق تعامل با یکدیگر، دیدگاه‌های سیاسی خود را مبادله کرده و گسترش می‌دهند. این امر می‌تواند به قضاوت‌های آگاهانه‌تر و متفکرانه‌تر منجر گردد. در یک دموکراسی ایده‌آل شهروندان نهایتاً همان خط‌مشی‌گذاران هستند و اگر در بین خود به قضاوت‌های ژرف دسترسی نداشته باشند، دموکراسی نمی‌تواند بهترین تصمیم جمعی ممکن را اتخاذ نماید (Gastil, 1994).

از سوی دیگر شکل‌گیری بستر بحث سیاسی بین شهروندان و وجود تعامل بین آنان و مسئولان که به معنای همان شبکه‌های سیاسی است، زمینه‌ساز اعتماد سیاسی بوده و با افزایش دانش سیاسی شهروندان حضور فعالانه و آگاهانه آنان در عرصه سیاسی را بهبود می‌بخشد. بنابراین شکل‌گیری شبکه‌های سیاسی هم خود الزامی برای تحقق حکمرانی دموکراتیک بوده و هم زمینه‌ساز پیش شرط‌های دیگر آن است.

در جامعه ما نیز هر چند سازوکارهای چندی برای ارتباط شهروندان با مسئولان در نظر گرفته شده و انجمن‌هایی نیز برای تعامل شهروندان با یکدیگر شکل گرفته است؛ تضمین کارایی آنها نیازمند شناسایی عوامل مؤثر بر آن است. با آگاهی از انتظارات شهروندان برای حضور در این شبکه‌ها می‌توان مشارکت آنان را بیش از پیش بهبود بخشیده تا در نهایت خواسته‌های برحق شهروندان سبب می‌شود که دولتمردان اهتمام بر تحقق آن داشته باشند. بنابراین مطالعه حاضر با بهره‌گیری از روش پژوهش آمیخته سعی دارد به این سؤال پاسخ دهد که چه عواملی سبب می‌شود شهروندان تمایل بیشتری به بحث پیرامون مسائل سیاسی با یکدیگر داشته باشند و با مسئولان‌شان تعامل بیشتری برقرار نمایند؟

مروری بر ادبیات پژوهش

تعریف شبکه‌های سیاسی

یکی از انواع مشارکت عمومی صدای عامه^۴ است. صدای عامه روشی است که از طریق آن شهروندان دیدگاه‌های خود را پیرامون مسائل عمومی مطرح می‌سازند و شامل فعالیت‌هایی مانند امضای یک اعتراض‌نامه، مشارکت در مبارزات انتخاباتی از طریق ایمیل، شروع یا کمک به یک وبلاگ سیاسی و تعامل با مسئولان دولت است. این نوع مشارکت می‌تواند هم از نوع فعالیت‌های سیاسی و هم مدنی باشد (Zukin et al., 2006).

در حقیقت سازمان‌ها به جای اتکای بر منابع مالی گسترده یا منابع انسانی با مهارت بالا می‌توانند بر ایجاد و بسیج روابط، به منظور کسب مرکزیت^۵ و اعتبار تأکید نمایند. وابستگی آنها به دامنه گسترده‌ای از سازمان‌ها و کنشگران آنها را در دید خط‌مشی‌گذاران تبدیل به عاملانی اثرگذار خواهد نمود. به بیانی دیگر سازمان‌های مرتبط، در بسیج حامیان و شکل دادن ائتلاف‌هایی که توانایی آنها را برای اثرگذاری بر خط‌مشی‌گذاران افزایش می‌دهد، موقعیت بهتری دارند. بنابراین به طور خاص روابط با احزاب سیاسی و نهادهای دولتی ظرفیت سازمان را برای اثرگذاری بر خط‌مشی‌ها افزایش می‌دهد (Morales & Ramiro, 2011). آنچه برای سطح

سازمانی مطرح شده قابلیت تعمیم به سطح اجتماعی را نیز دارد. باربر (۱۹۸۴)، مانسبریچ (۱۹۸۳) و ماتیو^۶ (۱۹۹۴) معتقدند یک شهروند ایده‌آل به طور منظم با مسئولان دولتی و خطمشی‌گذاران و سایر شهروندان مشورت می‌نماید. آنها معتقدند حتی ابتدایی‌ترین مدل‌های حکومت نیز به ارتباط بین شهروندان و خطمشی‌گذاران نیاز دارند (Gastil, 1994).

به طور خاص برای تعامل بین شهروندان و دولت می‌توان چهار سطح تعریف کرد: ۱. قابلیت دسترسی ۲. گفتگو با هدف جستجوی اطلاعات ۳. تراکنش خدمات عمومی ۴. فضای عمومی (شکل ۱). این مدل بر مبنای این پیش‌فرض است که شهروندان تمایل دارند تا به منظور جستجوی اطلاعات، ارائه توصیه‌های خطمشی و مشورت پیرامون مسائل آن در فرایندهای حکمرانی، در تماس با دولت باشند. تمامی این مراحل هم می‌تواند از طریق سازوکارهای سنتی مانند تلفن، نامه، گفتگوی چهره به چهره و نشست‌های عمومی و هم سازوکارهای دیجیتال شامل ایمیل، وبسایت‌ها، تالارهای^۷ خطمشی دیجیتال، و گفتگوی دیجیتال صورت گیرد.



شکل ۱. سطوح تعامل شهروندان-دولت (Rho, 2004)

قابلیت دسترسی یعنی سطح اول تعامل شهروندان با دولت، به معنای میزان سهولت نزدیک شدن به دولت است. این سطح از ارتباط اصلی‌ترین مؤلفه تعامل شهروندان با دولت است چرا که بدون دسترسی آسان به دولت تعامل مؤثری رخ نخواهد داد. سطح دوم ارتباطات، یعنی گفتگو به منظور جستجوی اطلاعات، به نوعی از تعامل بین شهروندان و دولت اشاره دارد که با هدف جستجو و فراهم کردن اطلاعات از دولت صورت می‌گیرد. در سطح سوم، شهروندان برای مطرح کردن تقاضا و دریافت خدمات عمومی با دولت تعامل

برقرار می‌کنند. این تعامل با هدف تراکنش خدمات عمومی مانند پرداخت مالیات‌ها، تمدید گواهینامه رانندگی و ثبت نام اتومبیل از طریق سازوکارهای سنتی و دیجیتال صورت می‌گیرد. البته در عصر اطلاعات، ارسال خدمات عمومی، که دولت الکترونیک نامیده می‌شود، افزایش یافته است. در نهایت در سطح چهارم، یعنی فضای عمومی، شهروندان در فرایندهای حکمرانی مشارکت می‌کنند. این سطح از مشارکت شامل نشست‌های عمومی، تابلو اعلانات برای مطرح کردن شکایات و توصیه‌ها و تالارهای دیجیتال خط‌مشی است (Rho, 2004).

در همین راستا اگر سطوح زیر را برای مشارکت الکترونیک در نظر بگیریم، در خواهیم یافت که در بالاترین یا عمیق‌ترین سطوح آن تعامل شهروندان با یکدیگر و با مسئولان به توسعه شبکه‌های سیاسی (افقی و عمودی) منجر می‌شود: ۱. آگاهی دادن الکترونیک (فراهم نمودن یک سویه اطلاعات که می‌تواند یا از سوی دولت به سمت شهروندان یا از شهروندان به سوی دولت باشد)؛ ۲. مشورت الکترونیک (مجرای محدود دو سویه که به شهروندان اجازه انتقال عقاید را می‌دهد اما متضمن مشارکت بیشتری نیست)؛ ۳. همکاری مبتنی بر اعتماد متقابل الکترونیک (مشارکت فعالانه ذی‌نفعان در توسعه خط‌مشی‌هاست اما تصمیم‌گیری نهایی بر عهده دولت خواهد بود)؛ ۴. توانمندسازی الکترونیک (عامه مردم تصمیمات نهایی را بصورت مشروع اتخاذ می‌نمایند) (Boyd, 2008). برای اینکه این مشارکت الکترونیک به توسعه پایدار و تعالی اجتماعی-اقتصادی مردم کمک نماید، لازم است که شهروندان صرفاً به عنوان دریافت‌کننده منفعل اطلاعات از طریق خدمات مبتنی بر وب دیده نشوند بلکه شرکای فعالی در نظر گرفته شوند که از طریق انتشار اطلاعات مرتبط با دولت مشارکت داده شوند و برای تعامل با دولت مورد حمایت قرار گیرند (United Nation, 2012).

اکثر پژوهش‌ها تعامل بین شهروندان و شهروندان-دولت را جدای از یکدیگر مورد مطالعه قرار نداده و از واژگان متفاوتی مانند بحث سیاسی^۱، گفتگوی سیاسی^۲، مکالمه سیاسی^۳، مشورت و بحث مشورتی (Thomson, 2007)، و مشارکت گفتمانی (Cook, Carpini, & Jacobs, 2007) برای تبیین این تعاملات استفاده کرده و برای هر کدام تعاریف خاصی مطرح کرده‌اند. در ادامه ابتدا به طور مختصر به بررسی تمایزات این مفاهیم پرداخته و سپس تعریف مورد نظر خود را ارائه می‌کنیم. در نهایت پیامدها و عوامل اثرگذار بر شبکه‌های سیاسی را بررسی خواهیم کرد.

بحث سیاسی مکالمه بین شهروندان است که خودانگیخته، ساختاریافته و فاقد هدف آشکار است. بنابراین گفتگوی دوستان، خانواده و همکاران پیرامون مسائل سیاسی به طور غیررسمی نیز می‌تواند بحث سیاسی نامیده شود. به طور مشابه مکالمه سیاسی همه انواع گفتگوها، بحث‌ها، یا استدلال‌های سیاسی را شامل می‌شود که داوطلبانه توسط شهروندان انجام شده و هدف خاص یا طرح از پیش تعیین شده‌ای ندارد.

در مقابل گفتگوی سیاسی به دلیل دارا بودن هدف، متمایز از بحث و مکالمه سیاسی است. گفتگوی سیاسی به معنای مبادله اطلاعات، ارائه نقطه نظرات معین و ارزیابی تفکر سایرین پیرامون یک مسأله بوده که دارای هدفی نهایی است. حتی برخی از پژوهشگران بین بحث که غیررسمی و ساختاریافته بوده با مشورت که رسمی و ساختاریافته است تمایز قائل شده و از جمله ویژگی‌های اصلی بحث مشورتی را عمومی بودن، غیراستبدادی بودن و برابری می‌دانند. چرا که افراد گردهم آمده تا پیرامون یک مسأله بحث کرده و به نتیجه یا اجماعی دست یابند (Thomson, 2007). بعضی دیگر از واژه دیالوگ استفاده کرده و آن را به جای بحث به عنوان کنش تسهیم اطلاعات درباره نگرش‌ها توصیف می‌کنند. در حقیقت دیالوگ نوعی کنش ارتباطی است که در آن مشارکت‌کنندگان فعالانه با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و اگر زمان کافی به آن داده شود می‌تواند به درک مشترک، یا زبان مشترکی تبدیل شود که توسط همه افراد به طور یکسان درک می‌گردد (Walsh, 2007).

اما مشارکت گفتمانی تعریفی جامع‌تر از بحث و مشورت سیاسی ارائه می‌کند که به معنای گردهم آمدن شهروندان در محیط‌های رسمی و غیررسمی به صورت چهره به چهره، تلفنی یا از طریق اینترنت برای بحث پیرامون مسائل محلی، ملی یا بین‌المللی است. اگرچه این گفتمان عمومی نیز شکلی از مشارکت است، اکثر تحلیل‌های مشارکت مدنی و سیاسی بر انواع روش‌های مشارکت شهروندان مانند رأی‌دهی، فعالیت برای یک حزب سیاسی، پیوستن و مشارکت فعالانه در سازمان‌های داوطلبانه و اعتراضات و مانند آن تمرکز می‌کنند. این درحالی است که به ندرت گفتگوی عمومی را به عنوان یک نوع مشارکت در نظر می‌گیرند. گفتگوی با سایر شهروندان، فرصت‌های آنان را برای بیان و توسعه دیدگاه‌ها، آگاهی از مواضع سایر افراد و مشخص کردن دغدغه‌ها و اولویت‌های مشترک افزایش می‌دهد (Cook, Carpini, & Jacobs, 2007).

طبق تعریف ماگنو (۲۰۰۰) شبکه‌های سیاسی هرگونه تعاملی است که در مقابل سایر گروه‌های شهروندی^{۱۱} (شبکه‌های افقی) به سمت سیاستگذاران^{۱۲} یا همان شهروندان-دولت

(شبکه‌های عمودی) صورت می‌گیرد. بنابراین تفاوت‌های ظریفی که پژوهشگران بین این مفاهیم قائل شده و حتی در اکثر پژوهش‌ها هم نادیده گرفته شده است، در پژوهش حاضر نیز مورد توجه نبوده و همه آنها می‌توانند به عنوان زیر مجموعه شبکه‌های سیاسی در نظر گرفته شوند.

عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری شبکه‌های سیاسی

در ارتباط با عوامل اثرگذار بر شبکه‌های سیاسی افقی (تعامل شهروندان با یکدیگر) کوک، دلی کارپینی و جاکوب (2007) مشارکت گفتمانی را به عنوان متغیر مستقل، در چهار شکل دسته‌بندی کرده‌اند:

۱. مشورت چهره به چهره: به معنای حضور در نشست‌های سازمان‌یافته رسمی یا غیررسمی؛
۲. گفتگوی سنتی^{۱۳}: مشارکت در مکالمه‌های غیررسمی پیرامون مسائل عمومی به صورت چهره به چهره یا تلفنی؛
۳. مشورت اینترنتی: مشارکت در چت‌روم‌های اینترنتی، تابلوهای اعلانات الکترونیکی و سایر گروه‌های بحث برخط برای بحث درباره مسائل محلی، ملی و بین‌المللی؛
۴. گفتگوی اینترنتی: شامل استفاده از ایمیل یا پیام‌هایی که از طریق اینترنت بین افراد به سرعت مبادله می‌شود^{۱۴} تا گفتگوی غیررسمی درباره دغدغه‌های عمومی.

آنها در پژوهش خود که تنها پژوهش در دست در ارتباط با عوامل اثرگذار است، این عوامل را در چهار دسته **موقعیت اجتماعی-اقتصادی** (تحصیلات، درآمد، سن و جنسیت)، **سرمایه اجتماعی**، **تعهد سیاسی**^{۱۵} و **فناوری اطلاعات و ارتباطات** مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد همانطور که **عوامل اجتماعی-اقتصادی** بر سایر اشکال مشارکت سیاسی و مدنی تأثیرگذار هستند، بر سه نوع از چهار نوع مشارکت گفتمانی نیز اثرگذارند. تنها استثناء معنادار نبودن تأثیر مثبت تحصیلات بر مشورت اینترنتی است که دلیل آن کوچک بودن اندازه نمونه کسانی است که در این گروه جای می‌گیرند.

یافته‌ها نشان می‌دهد در حالی که درآمد بر اشکال تعامل با مسئولان دولتی و مشارکت در مبارزات انتخاباتی تأثیرگذار است، بر مشارکت در گفتمان پیرامون مسائل سیاسی تأثیر مستقیمی ندارد. همچنین علیرغم عدم تأثیر سن بر اکثر اشکال مشارکت سیاسی و مدنی، بر مشارکت گفتمانی تأثیر منفی معناداری دارد. یعنی افراد جوانتر تمایل بیشتری به مشارکت در

گفتگوی عمومی سنتی، گفتگوی اینترنتی و مشورت اینترنتی داشته و در این میان جنسیت ارتباط معناداری با هیچکدام از اشکال مشارکت گفتمانی ندارد.

در مورد تأثیر متغیرهای **سرمایه اجتماعی**، عضویت سازمانی با مشارکت در گفتگوی سنتی، چت‌روم‌های مشورت اینترنتی، فروم‌های مشورتی چهره به چهره همبستگی مثبت دارند. همچنین اعتماد اجتماعی به عنوان مؤلفه دیگر سرمایه اجتماعی با مشورت چهره به چهره و گفتگوی سنتی و اینترنتی رابطه مثبت نشان می‌دهد. بنابراین علاوه بر اینکه سرمایه اجتماعی در فضای تعاملی چهره به چهره برای شکل‌گیری گفتمانی سیاسی مورد نیاز است در فضای مجازی نیز که بی‌نامی را ترویج می‌کند ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهشگران اعتماد سیاسی، دانش سیاسی، علاقه سیاسی و کارآمدی سیاسی را به عنوان **تعهد سیاسی** تعریف کرده و نشان دادند که اعتماد سیاسی و کارآمدی سیاسی با مشورت چهره به چهره و گفتگوی اینترنتی، دانش سیاسی با گفتگوی اینترنتی، و علاقه سیاسی با مشارکت در فروم‌های مشورتی چهره به چهره و گفتگوی سنتی به طور مثبتی رابطه دارد (Cook, Carpini, & Jacobs, 2007).

در نهایت فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان یکی از مهمترین بسترهای شبکه‌های سیاسی، تمایز بین حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان را از بین برد. این رسانه‌های جدید مجرای را فراهم می‌سازند که از طریق آن عموم مردم می‌توانند به آنچه که در مرکز امور سیاسی رخ می‌دهد واکنش نشان دهند. آنها با ترسیم مجدد ارتباط بین صاحب‌منصبان، سیاستمداران و عامه مردم و همچنین ارتباط بین خود مردم، فرهنگ سیاسی جدیدی را عرضه داشته و جامعه مدنی پر جنبشی را پرورش می‌دهند (kim, 2006). به ویژه اینترنت از طریق فراهم کردن گفتمان مدنی باز با جمعیتی گسترده و دسترسی شفاف و بدون محدودیت به کارکرد درونی حکومت، به روشی برای اعمال صدای افراد و گروه‌های بی‌صدا و حاشیه‌ای در حمایت از حقوق و خواسته‌هایشان تبدیل شده است. به طور خاص باز بودن و جامعیت اینترنت و توانایی آن برای ایجاد شبکه‌های اجتماعی به دسترسی به توسعه انسانی، اقتصادی و سیاسی کمک نموده است (Michelson, 2006). اینترنت ابزاری است که با خلق فضای عمومی الکترونیک به فرایندهای دموکراتیک نیرویی تازه بخشیده (Kaye & Johnson, 2002) و با ایجاد مشورت و گفتگو بین شهروندان و حکومت‌هایشان، می‌تواند فضای عمومی را گسترش دهد. از طریق همین گفتگو

است که شهروندان و ذینفعان امکان تبادل دیدگاه‌ها و ایده‌های خود را می‌یابند و بطور مستقیم‌تری در تصمیم‌گیری مشارکت می‌کنند (Lenihan, 2008).

روش پژوهش

پژوهش حاضر از روش آمیخته بهره گرفته که بر جمع‌آوری، تحلیل، و ترکیب داده‌های کمی و کیفی در یک مطالعه واحد متمرکز می‌کند. طرح‌های تحقیق آمیخته بر اساس میزان اولویت یا اهمیت هر یک از دو دسته تحقیق کمی یا کیفی و توالی زمانی استفاده از آنها تقسیم‌بندی می‌شوند که یکی از انواع آنها طرح تحقیق اکتشافی است (Creswell & Plano Clark, 2007, 85).

هدف پژوهش حاضر شناسایی عواملی است که می‌توانند شکل‌گیری مشورت بین شهروندان و تعامل آنان با مسئولان را بهبود بخشند. با توجه به جدید بودن مفهوم شبکه‌های سیاسی و اینکه این متغیر به شدت متأثر از بستری است که در آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد، ضرورت دارد تا از طریق یک پژوهش کیفی عوامل مؤثر بر آنها شناسایی شود. از سوی دیگر از آنجا که مفهوم شبکه‌های سیاسی، در سطح اجتماعی تعریف می‌گردد، انجام پژوهش کیفی در سطح نخبگان، منجر به نادیده گرفتن نگرش کسانی می‌گردد که در حقیقت شبکه‌های سیاسی متعلق به آنهاست. بنابراین لازم است تا تأثیر عوامل شناسایی شده را از دید شهروندان نیز مورد بررسی قرار داد. به همین منظور از یک روش کمی برای آزمون تأثیر این عوامل استفاده می‌شود. در نهایت از آنجا که در پژوهش حاضر الویت بیشتری به داده‌های کیفی داده می‌شود و در توالی گردآوری داده‌ها، ابتدا داده‌های کیفی و سپس داده‌های کمی گردآوری می‌گردد، بنابراین طرح تحقیق از نوع آمیخته اکتشافی است.

جامعه و نمونه آماری: در این پژوهش دو جامعه آماری به صورت جداگانه بررسی می‌شوند: اساتید مدیریت دولتی جهت گردآوری داده‌های کیفی و شهروندان منطقه شش شهر تهران جهت گردآوری داده‌های کمی. این منطقه به این دلیل انتخاب گردید که به نظر می‌رسد طیف متفاوتی از شهروندان از لحاظ موقعیت اجتماعی - اقتصادی (که تأثیرگذار بر شبکه‌های سیاسی است) در آنجا ساکن هستند.

نمونه‌گیری از بخش کیفی به روش گلوله برفی صورت گرفته است. به همین منظور اولین مطلع کلیدی با توجه به حوزه فعالیت و پژوهش ایشان انتخاب گردید و سایر افراد با تشخیص فرد قبلی مورد مصاحبه قرار گرفتند. در روش گلوله برفی فرایند نمونه‌گیری تا

زمانی ادامه می‌یابد که به نقطه اشباع نظری برسیم. یعنی به مرحله‌ای که در آن هیچ بینش و ایده جدیدی از گسترش بیشتر نمونه‌ها حاصل نمی‌شود. در مطالعات اجتماعی معمولاً نقطه اشباع در ۱۰ تا ۱۵ نمونه است. در این پژوهش نقطه اشباع، مصاحبه شماره ۹ بود اما برای اطمینان مصاحبه‌ها تا ۱۲ مصاحبه ادامه یافت.

نمونه‌گیری از بخش کمی نیز به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای صورت گرفته است. به این ترتیب که منطقه شش به دو خوشه شمال و جنوب تقسیم گردید. محله‌های آرژانتین، یوسف‌آباد، عباس‌آباد، گاندی، فاطمی در خوشه شمال و امیرآباد، کشاورز، میدان ولیعصر، پارک لاله، نصرت در خوشه جنوب جای گرفتند. طبق فرمول جامعه نامحدود با سطح خطای ۵ درصد، حجم نمونه برابر است با ۳۸۴ که برای اطمینان بیشتر ۴۰۰ پرسشنامه توزیع گردید و ۳۷۰ پرسشنامه جمع‌آوری شد. به طور یکسان در هر دو خوشه ۲۰۰ پرسشنامه و در هر محله حدود ۴۰ پرسشنامه توزیع گردید. انتخاب افراد به صورت تصادفی صورت گرفت اما ترکیب سنی و جنسیت پاسخ دهندگان در زمان توزیع مدنظر قرار گرفت. همچنین تلاش شد برای جلوگیری از برداشت نادرست از سؤالات، سؤالات توسط پژوهشگر پرسیده شده و پاسخ‌ها ثبت گردد تا در صورت لزوم ابهامات تشریح گردد.

ابزار گردآوری داده‌ها و روایی و پایایی آن: به منظور گردآوری داده‌های کیفی

پژوهش از مصاحبه استفاده شده است. به منظور تعیین پایایی مصاحبه‌های انجام گرفته از کدگذاری مجدد توسط پژوهشگر در یک فاصله زمانی (پایداری) و کدگذاری توسط دو کدگذار (قابلیت ایجاد مجدد) برای دو مصاحبه استفاده شده و سپس شاخص درصد پایایی محاسبه گردیده است. اگر این شاخص‌ها بیشتر از ۶۰ درصد باشند کدگذاری انجام شده از پایایی مناسبی برخوردار خواهد بود (کرپیندورف، ۱۳۸۶). برای مصاحبه هشتم و یازدهم درصد پایداری به ترتیب ۸۷ و ۹۳ و درصد قابلیت ایجاد مجدد ۸۴ و ۸۱ است. بنابراین کدگذاری از پایایی مناسبی برخوردار است.

به منظور گردآوری داده‌های کمی از پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه مرکب از ۷۳ سؤال بود که برای متغیر میزان حضور در شبکه‌های سیاسی ۹ سؤال در نظر گرفته شده بود. سایر متغیرها نیز حداقل از سه سؤال برخوردار بودند. همه سؤالات براساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت از ۱ به معنای بسیار کم تا ۵ به معنای بسیار زیاد تنظیم شده بود.

یافته‌های پژوهش

تم‌های اصلی استخراج شده از مصاحبه‌ها، حاکی از آن است که عوامل اثرگذار بر شبکه‌های سیاسی را می‌توان در چهار دسته بسترسازهای فضای عمومی، دموکراسی‌پذیری، تعهد سیاسی، سازوکارهای شبکه‌سازی مطرح نمود.

یافته‌های کیفی

اولین الزام شکل‌گیری شبکه‌های سیاسی فضای عمومی است، فضایی عاری از تعصب که در آن شهروندان در فرایندهای حکمرانی مشارکت می‌کنند. به بیان دیگر در چنین فضایی ضمن فراهم شدن امکان تعامل شهروندان با مسئولان، گفتمان آگاهانه، مستدل، عقلایی - انتقادی شهروندان با یکدیگر نیز میسر می‌گردد (Rho, 2004). در حقیقت وجود آزادی‌های اجتماعی در جامعه این امکان را برای شهروندان فراهم می‌کند تا بتوانند آزادانه ایده‌ها و نظرات خود را با یکدیگر تسهیم کنند و از این طریق دانش سیاسی خود را افزایش دهند. اگر در جامعه‌ای آزادی اندیشه وجود نداشته باشد شهروندان مجبور می‌شوند به شکلی خاص فکر کنند تا حق ادامه حیات داشته باشند و هنگامی که آزادی بیان سلب گردد امکان بروز و ظهور اندیشه‌های مخالف وجود نداشته و تنها یک صداست که شنیده می‌شود. در چنین جامعه‌ای شهروندان تمایلی به مشورت با یکدیگر و تعامل با مسئولان ندارند.

همچنین اگر مسئولان همواره نگاهی از بالا به پایین به مردم داشته باشند و به گونه‌ای برخورد کنند که شهروندان خود را جدای از آنان بدانند مردم از مسئولان دور شده و این امر ارتباط بین آنان را کاهش می‌دهد. در مقابل اگر مسئولان سیاست بازی داشته یا همان هنجارهای سیاسی دموکراتیک را بپذیرند یعنی حق مشارکت سیاسی و مدنی (بعد فرهنگ مدنی) را برای همه افراد بپذیرند و حقوق سیاسی را به مخالفان دولت یا نظام نیز اعطا نمایند (بعد تحمل سیاسی) (Booth & Richard, 1996)، شهروندان این امکان را خواهند یافت که نظرات خود، هر چند مخالف با آنان، را مطرح سازند. به بیانی دیگر هنگامی که مسئولان می‌پذیرند که همه شهروندان حق مشارکت در امور کشور را داشته و آزادی‌های اجتماعی باید برای همه آنان حتی مخالفان به رسمیت شناخته شود، تحمل سیاسی بیشتری هم خواهند داشت. در حقیقت هنجارپذیری سیاسی مسئولان زمینه را برای تمایل شهروندان به تعامل با آنان فراهم می‌سازد.

در مقابل پژوهشگران بسیاری معتقدند که گفتگوی سیاسی می‌تواند تحمل سیاسی (یعنی تمایل به اعطای آزادی‌های مدنی به گروه‌هایی که مورد علاقه ما نیستند)، احترام به تفاوت‌ها و یکدلی با سایر اعضا یا گروه‌های اجتماعی را ایجاد کند (Walsh, 2007). به بیان دیگر مشارکت در مشورت عمومی ابزار توسعه اخلاقی شهروندان است. چرا که این گفتگو درباره مسائل عمومی آنان را وادار می‌سازد تا علایق و ارزش‌های رقیب را مورد ملاحظه قرار داده و مسئولیت رفاه خود و دیگران را با هم در نظر آورند (Cook, Carpini, & Jacobs, 2007). همچنین اگر دولت این باور را در ذهن داشته باشد که تعامل با شهروندان تنها موجب دردسر بیشتر برای او خواهد شد، تمایلی به برقراری تعامل با شهروندان نخواهد داشت. دولتمردان باید تلاش کنند از همه سازوکارهای موجود مانند ملاقات‌های چهره به چهره، تماس‌های تلفنی، نامه و ایمیل و... برای برقراری ارتباط با شهروندان استفاده کرده و نظرات شهروندان را همواره مدنظر داشته و مشکلات مطرح شده توسط آنان را برطرف نمایند. جدول یک نشان‌دهنده مجموعه تم‌های مربوط به تم اصلی بسترسازهای فضای عمومی است.

جدول ۱. مجموعه تم‌های مربوط به بسترسازهای فضای عمومی

شماره مصاحبه	گزاره کلامی	تم‌های فرعی	تم اصلی
۵۶،۷۸،۱۱،۱۲	در فضای آزاد ما شاهد انسان‌های آزاد هستیم. انسان‌هایی که فکر می‌کنند، دغدغه دارند، مسئول هستند، اجتماعی هستند، فردگرا نیستند، منافع فردی آنها در منافع جمعی تأمین می‌شود. آنها تمایل به همکاری دارند چون همکاری منافع آنها را تأمین می‌کند. در فضای آزاد چه در سطح فردی، چه در سطح احزاب و رسانه‌ها مشارکت رخ می‌دهد، اعتماد اجتماعی و سیاسی بالاست و مشورت افزایش می‌یابد. در همه حوزه‌ها این ترس وجود دارد اما در مورد مسائل سیاسی شدیدتر است و چارچوب-بندی‌های سخت نیز آن را تشدید می‌کند.	وجود آزادی‌های اجتماعی	۱ بسترسازهای فضای عمومی
۲،۷	اگر در جامعه‌ای فرهنگ نقد وجود نداشته باشد طبیعی است که مسئولان هم تمایلی به برقراری ارتباط نداشته باشند.	هنجارپذیری مسئولان	۲
۲،۳،۵،۷،۹،۱۰	خواستن مسئولان و شهروندان هر دو برای برقراری ارتباط مهم است. اگر آنها به مردم تمایلی نشان دهند، مردم هم مشارکت می‌کنند. اما یک خطر در کشورهای دیکتاتوری وجود دارد ممکن است مردم از آن سمت بوم بیافتند. مانند یک پدر به شدت مقتدر که کمی با بچه‌ها گرم می‌گیرد و آنها ممکن است به فکر سرنگونی پدر باشند.	تعامل خواهی مسئولان	۳

شکل‌گیری شبکه‌های سیاسی علاوه بر اینکه به فراهم شدن بسترهای ذهنی از سوی دولت نیازمند است، مستلزم دموکراسی‌پذیری از سوی شهروندان نیز هست. خودمحموری باعث می‌شود افراد نیازی به مشورت با دیگران و تسهیم ایده‌هایشان احساس نکنند. آنها مرجع همه چیز را در خود جستجو کرده و ایده‌ها و نظرات خود را برتر از دیگران می‌پندارند. از سوی دیگر در جامعه‌پذیری دموکراتیک شهروندان در خانواده و نهادهای آموزشی اصول دموکراتیک را آموزش دیده و آن را تمرین می‌کنند. مشارکت دادن و مشورت با افراد در این نهادها فراهم‌کننده همان تمرین‌های عملی است که افراد را برای مشورت‌های آتی پیرامون مسائل سیاسی آماده می‌سازد. بنابراین اگر جامعه‌پذیری شهروندان به گونه‌ای باشد که هنجارهای سیاسی دموکراتیک را نپذیرند، اساساً تمایلی به مشورت با دیگران نیز نداشته یا به دنبال افرادی می‌گردند که نظراتی مشابه آنان داشته باشند، همان پدیده‌ای که از آن به عنوان خطای منسانی در ادراک یاد می‌شود. این امر سبب می‌شود شبکه‌ها به سمت همگنی پیش بروند چرا که مشورت کردن با افراد با آراء مخالف بحث سیاسی را به مشاجره سیاسی تبدیل می‌کند. جدول دو نشان‌دهنده مجموعه تم‌های مربوط به تم اصلی دموکراسی‌پذیری است.

تعهد سیاسی عامل اثرگذار دیگر بر میزان حضور شهروندان در شبکه‌های سیاسی است که شامل اعتماد، احساس کارآمدی، حساسیت سیاسی و دانش سیاسی است. بدون تردید یکی از اصول اساسی در شکل‌گیری ارتباط بین افراد، اعتماد است. شهروندانی که نسبت به یکدیگر بی‌اعتمادند این تصور را خواهند داشت که طرف مقابل تنها به منفعت خود می‌اندیشد و در اولین فرصت از وی سوءاستفاده خواهد کرد. این بی‌اعتمادی سبب می‌شود شهروندان فکر کنند که هزینه مشورت با دیگران بالاست بنابراین تنها با نزدیکترین افراد یعنی خانواده وارد بحث سیاسی می‌شوند. این امر در مورد دولت نیز صادق است. هنگامی که شهروندان فکر می‌کنند مسئولان افرادی ناشایسته و ناکارآمد بوده که تنها منفعت خود یا گروهی خاص را در ذهن داشته، برخوردی شفاف و صادقانه نداشته و تلاشی برای بهبود وضعیت نظام سیاسی نمی‌کنند، تعامل با آنان را بی‌فایده خواهند دانست.

جدول ۲. مجموعه تم‌های مربوط به دموکراسی‌پذیری

شماره مصاحبه	گزاره کلامی	تم‌های فرعی	تم اصلی
۱۴،۱۲	اگر برسیم به اینکه جمع بهتر تأثیرگذار است، مسلماً حضور در شبکه‌ها بیشتر خواهد شد. اگر تعداد افرادی که در این شبکه‌ها هستند رویکرد من‌محور یا من‌سانی داشته باشند، شبکه شکل نخواهد گرفت. باید این باور که ممکن است من اشتباه کنم و باید اشتباهات خود را بپذیرم و خرید جمعی بهتر عمل می‌کند، در ذهن همه وجود داشته باشد.	حاکم نبودن خودمحوری	دموکراسی‌پذیری
۱۱،۱۲	فرهنگ پدرسالاری، همان فرهنگ استبدادی در سطح خانواده است. یک خانواده پدرسالار، الگوی خانواده دموکراتیک نیست. خانواده‌ها با هم مشورت و تشریح مساعی نمی‌کنند، به جای اینکه بچه یاد بگیرد مشورت و بحث کند، یاد می‌گیرد خود به تنهایی تصمیم بگیرد. یا اگر در مدرسه و دانشگاه امکان فراهم شود که فرد عضو انجمن‌ها، گروه‌های سیاسی شود، مشورت افزایش می‌یابد.	جامعه‌پذیری دموکراتیک	
۸،۹،۱۲	بحث سیاسی به مسأله قدرت مرتبط است. در مورد سایر مسائل ممکن است افراد با هم اختلاف نظر داشته باشند اما در مورد مسائل سیاسی چالش و مشاجره بین افراد ایجاد می‌شود. به ویژه افرادی که در دو جریان مخالف هستند. اگر آستانه تحمل پایین باشد مشورت سیاسی کاهش می‌یابد.	هنجارپذیری شهروندان	

از سوی دیگر اگر شما تعاملات گذشته خود با مسئولان و سایر شهروندان را اثربخش دانسته و اعتقاد داشته باشید که نظرات شما در تعاملات مشورتی با مسئولان مدنظر قرار گرفته و مشکلات مطرح شده در این تعاملات، بهبود یافته است، مجدداً از سازوکارهای پاسخ‌خواهی برای ارتباط با مسئولان و مشورت با شهروندان بهره خواهید گرفت. این تجربه تعامل با مسئولان شکل‌دهنده همان احساس کارآمدی سیاسی است. در کنار این عوامل شهروندانی نیز هستند که بیشتر از سایرین دغدغه مسائل سیاسی را در ذهن دارند، همواره در تلاشند تا به طور مختلف از وقایع و امور سیاسی جامعه‌شان آگاهی یابند. این افراد به طور مداوم رسانه‌ها را پی‌گیری کرده و سعی دارند تا اطلاعات سیاسی به روزی داشته باشند. چنین افرادی قطعاً نمی‌توانند در مباحث آنان خود نسبت به مسائل سیاسی بی‌تفاوت باشند. این افراد عموماً آگاهی سیاسی بیشتری نسبت به وقایع سیاسی داخلی و خارجی دارند. آنها از

رویه‌ها و اصول دموکراسی حاکم آگاهند و سیاستمداران و مسئولان سیستم سیاسی‌شان را به خوبی می‌شناسند، در نتیجه هنگامی که گردهم می‌آیند یکی از اولویت‌های مباحث آنان مسائل سیاسی است. جدول سه نشان‌دهنده مجموعه تم‌های مربوط به تم اصلی تعهد سیاسی است. یافته‌ها نیز نشان می‌دهد که اعتماد سیاسی و کارآمدی سیاسی با مشورت چهره به چهره و گفتگوی اینترنتی، دانش سیاسی با گفتگوی اینترنتی، و علاقه سیاسی با مشارکت در فرورهای مشورتی چهره به چهره و گفتگوی سنتی به طور مثبتی رابطه دارد (Cook, Jacobs & Carpini, 2007).

جدول ۳. مجموعه تم‌های مربوط به تعهد سیاسی

شماره مصاحبه	گزاره کلامی	تم‌های فرعی	تم اصلی
۳،۴،۸،۱۰،۱۲	اگر شهروندان احساس کنند مثلاً رئیس‌جمهور یا هر مسئول دیگر با رویه‌های صحیح روی کار آمده، ارتباطات افزایش می‌یابد. اما اگر فکر کنند با تقلب، پارتی‌بازی روی کار آمده ارتباطات تنها به کسانی محدود می‌شود که طرفدار وی هستند. اما کسانی که مخالفند حتی برای حق هم به وی مراجعه نمی‌کنند. همچنین اگر من به شما اعتماد داشته و شما را قبول داشته باشم با شما بحث می‌کنم. وقتی بدانم بحث‌های مرا جای دیگر مطرح نمی‌کنید، دیدگاه نقادانه دارید، مشورت می‌کنم	اعتماد سیاسی و اجتماعی	۱
۳،۵،۶،۷،۱۲	اینکه چقدر مردم باور دارند که این ارتباط صوری نیست، جدی است، واقعاً برونداد مثبتی دارد در ادامه مؤثر است. حال هر چه میزان پاسخگویی مسئولان به این راه‌ها بیشتر باشد تعامل بیشتری شکل می‌گیرد.	احساس کارآمدی سیاسی	۲
۷،۹،۱۰	خواست شهروندان مهم است مثلاً ممکن است شما در سازمانی را باز کنید و بگویید شهروندان نظر دهید، اما کسی تمایل نداشته باشد یعنی شهروندان اساساً نسبت به مسائل سیاسی بی‌تفاوت باشند.	حساسیت سیاسی	۳
۲،۵،۷،۹،۱۰	به دانش سیاسی و علاقه فرد بستگی دارد. وقتی آگاهی سیاسی افرادی که دور هم جمع می‌شوند اندک است راجع به چه چیزی باید حرف بزنند بحث کشیده می‌شود به آن چیزی که آنها می‌دانند.	دانش سیاسی	۴

در نهایت یکی از مهمترین عواملی که باعث می‌شود افراد با یکدیگر مشورت سیاسی داشته و با مسئولان تعامل برقرار سازند وجود سازوکارهای لازم است. منظور از سازوکارها، بستری است که این امکان را فراهم می‌کند تا شهروندان بتوانند گردهم آمده و مسئولان را ملاقات نمایند. از جمله آنها می‌توان به نهادهای مدنی، NGOها و احزاب اشاره کرد. از آنجا که این نهادها برای شهروندان قدرت ایجاد کرده و توانایی آنها را در

چانه‌زنی افزایش می‌دهند، هر چقدر بیشتر در جامعه نهادینه شده باشند، می‌توانند تعامل شهروندان با مسئولان را افزایش دهند.

با گسترش فناوری‌های ارتباطی این امکان برای شهروندان فراهم گردیده که بتوانند با هزینه کمتر و با سرعت بیشتر با یکدیگر و با مسئولان نشان تعامل برقرار کنند. به نظر می‌رسد کسانی که از ابزارهای ارتباطی نوین استفاده می‌کنند، به دلیل فراهم بودن بسترهای ارتباطی بیشتر امکان بیشتری برای تعامل خواهند داشت. آنها می‌توانند در خبرگزاری‌ها، وبسایت‌ها و وبلاگ‌ها اظهار نظر کرده و با یکدیگر و مسئولان ارتباط برقرار سازند. یافته‌های کیم نشان می‌دهد اینترنت از طریق شکل‌دهی یک گفتمان مشورتی، منفعَل بودن شهروندان و عدم مشارکت آنان را کاهش و نقش شهروندان در فرایندهای دموکراتیک را افزایش می‌دهد. تعاملی بودن نه تنها الگوی ارتباطات عمودی بین نخبگان سیاسی و شهروندان عادی را تغییر داده، بلکه همچنین ارتباطات افقی در بین شهروندان را توسعه می‌دهد (Kim, 2006). جدول چهار نشان‌دهنده مجموعه تم‌های مربوط به تم اصلی سازوکارهای شبکه‌سازی است.

جدول ۴. مجموعه تم‌های مربوط به سازوکارهای شبکه‌سازی

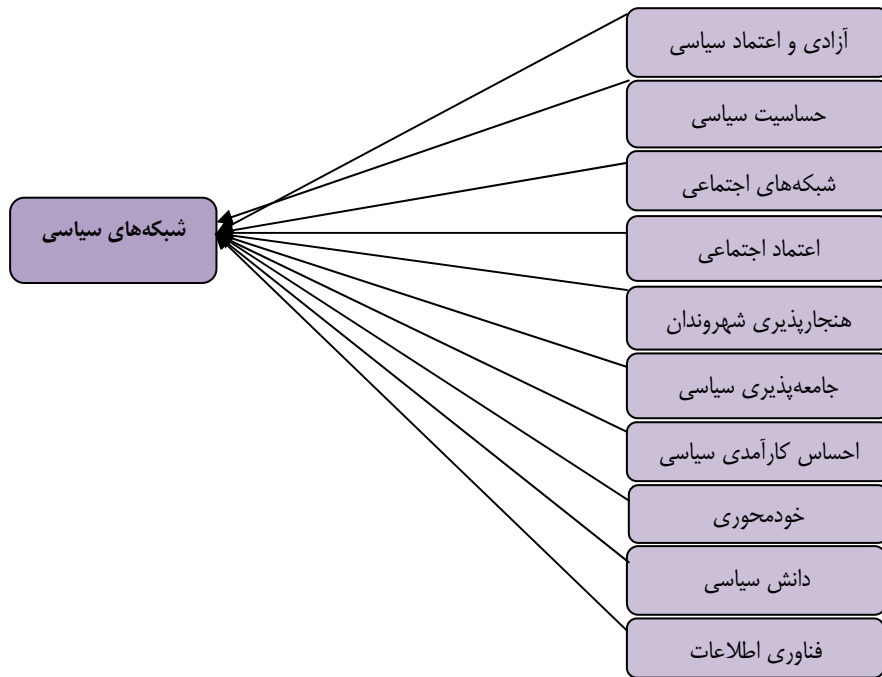
شماره مصاحبه	گزاره کلامی	تم‌های فرعی	تم اصلی
۲،۳،۵،۷،۸،۹، ۱۲	احزاب و انجمن‌ها می‌توانند این مشورت و تعامل را افزایش دهند. اساساً شکل می‌گیرند که از منافع یک قشر خاص جانبداری کنند بنابراین هم مشورت بین شهروندان را افزایش می‌دهند هم تعامل با مسئولان را.	شبکه‌های اجتماعی و احزاب	سازوکارهای شبکه‌سازی
۱،۳،۱۲	رسانه‌ها اگر فضای تبادل نظر را فراهم کنند و دسترسی مردم به امکانات فنی نیز فراهم باشد می‌توانند به مشورت کمک کنند. مثلاً افراد به واسطه شبکه‌های اجتماعی دور هم جمع می‌شوند و در مورد یک سری مسائل صحبت می‌کنند.	فناوری اطلاعات و ارتباطات	

یافته‌های کمی

بعد از مشخص شدن عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری شبکه‌های سیاسی، این عوامل به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته و تعریف عملیاتی شدند. بعد از انجام تحلیل عاملی اکتشافی از مجموعه تم‌های استخراجی، ۱۰ متغیر شناسایی و وارد تحلیل کمی شدند. سوالات آزادی‌های اجتماعی، هنجارپذیری سیاسی مسئولان، تمایل مسئولان به برقراری ارتباط، اعتماد سیاسی بر

روی یک عامل جای گرفته‌اند که این عامل را آزادی و اعتماد سیاسی می‌نامیم. باقی عواملها متناسب با عناوین تمها به ترتیب حساسیت سیاسی، شبکه‌های اجتماعی، اعتماد اجتماعی، هنجارپذیری سیاسی شهروندان، جامعه‌پذیری سیاسی، احساس کارآمدی سیاسی، خودمحوری، دانش سیاسی و میزان استفاده از فناوری اطلاعات نامگذاری شدند.

برای به دست آوردن روایی صوری و محتوا از نظرات خبرگان و برای سنجش روایی سازه هر یک از متغیرها از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد تمام متغیرها به جز شبکه‌های اجتماعی از برازش مناسبی برخوردارند. هرچند برای سنجش شبکه‌های اجتماعی از پرسشنامه استاندارد استفاده شده است اما مدل شبکه‌های اجتماعی با داده‌های گردآوری شده تناسب ندارد.



شکل ۲. مدل مفهومی استخراجی از تحلیل کیفی

یافته‌های حاصل از همبستگی متغیرهای مستقل و وابسته حاکی است که تمامی متغیرها به جز جامعه‌پذیری سیاسی و خود محوری در سطح خطای ۰.۰۵ بصورت مستقل با

شبکه‌های سیاسی همبستگی مثبت معنادار دارند. بالاترین ضریب همبستگی به ترتیب مربوط به شبکه‌های اجتماعی (۰.۷۰۳) و حساسیت اجتماعی (۰.۵۴۱) و کوچکترین آن نیز مربوط به اعتماد اجتماعی (۰.۱۶۵) و هنجارپذیری سیاسی شهروندان (۰.۱۶۶) است.

برای بررسی سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از روش تحلیل رگرسیونی چند متغیره نیز استفاده شده است. به همین جهت تمامی متغیرهای مستقل به روش مرحله‌ای انتخاب شده و در یک دستور رگرسیونی برای دستیابی به معادله نهایی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد میزان حضور در شبکه‌های اجتماعی با بتای ۰.۵۶۲ بیشتر از همه متغیرهای مستقل دیگر به طور مستقیم بر میزان حضور در شبکه‌های سیاسی تأثیر می‌گذارد. جهت این تأثیر نیز مثبت بوده و بیانگر این مطلب است که با افزایش میزان حضور در شبکه‌های اجتماعی، میزان حضور در شبکه‌های سیاسی نیز افزایش می‌یابد. بعد از متغیر میزان حضور در شبکه‌های اجتماعی، حساسیت سیاسی قرار گرفته است. همچنین هرچند وجود آزادی‌های اجتماعی و اعتماد سیاسی و احساس کارآمدی سیاسی تأثیر مثبت معناداری بر میزان حضور در شبکه‌های سیاسی دارند اما سهم این تأثیر در کنار دو متغیر میزان حضور در شبکه‌های اجتماعی و حساسیت سیاسی (در مقایسه با ضریب همبستگی آنها) تقلیل یافته است. وجود دو متغیر میزان حضور در شبکه‌های اجتماعی و حساسیت سیاسی علاوه بر کاهش سهم تأثیر آزادی‌های اجتماعی و اعتماد سیاسی و احساس کارآمدی سیاسی سایر متغیرها را نیز بی‌تأثیر ساخته‌اند. لازم به ذکر است که حدود ۶۱ درصد از متغیر وابسته یعنی میزان حضور در شبکه‌های سیاسی از طریق این چهار متغیر تبیین می‌گردد. بنابراین می‌توان برای شکل‌گیری شبکه‌های سیاسی به میزان قابل قبولی این متغیرها را بهبود بخشید.

بحث و نتیجه‌گیری

آنچه در نظر خبرگان بیش از همه شکل‌گیری شبکه‌های سیاسی را افزایش می‌دهد بسط‌سازهای فضای عمومی است. فضای عمومی فضایی عاری از تعصب است که در آن شهروندان از طریق تعامل با مسئولان و مشورت با سایر شهروندان نقشی فعال در فرایندهای حکمرانی ایفا می‌کنند. تعامل‌خواهی مسئولان در کنار هنجارپذیری سیاسی آنان یکی از مهمترین الزامات شکل‌گیری این فضا است. وجود آزادی‌های اجتماعی و متعاقب آن پایین بودن هزینه ورود به عرصه سیاسی این امکان را برای شهروندان فراهم می‌کند که بدون

ترس و واکنش از پیامدها با مسئولان و سایر شهروندان به بحث و مشورت بنشینند. همچنین تعهد سیاسی و پذیرش دموکراسی از سوی شهروندان در همه ابعاد اجتماعی و سیاسی زندگی، به معنای آزادی و برابری، مشورت سیاسی آنان با یکدیگر را بهبود می‌بخشد. وجود سازوکارهای شبکه‌سازی یعنی احزاب و شبکه‌های اجتماعی و دسترسی به ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند حضور در شبکه‌های سیاسی را بهبود بخشد. چراکه شهروندان را به یکدیگر و به مسئولان نزدیک ساخته و امکان تسهیم دانش و انتقال خواسته‌های برحق شهروندان به دولتمردان را افزایش می‌دهد.

مشارکت افراد در انجمن‌های مدنی به عنوان یکی از سازوکارهای شبکه‌سازی از خلق فضای عمومی که فضایی خارج از اختیارات تثبیت شده برای گفتمان آگاهانه، مستدل، عقلایی- انتقادی است، حمایت می‌کند. این فضای ایده‌آل درحالی که افکار عمومی آگاه و مستدل خلق می‌کند، باید ویژگی‌های دموکراتیکی مانند بی‌تعصبی^{۱۶}، بردباری، و احترام به دیدگاه‌های مخالف را تقویت نماید (Paxton, 2002). فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز یکی دیگر از سازوکارهاست که می‌تواند این امکان را فراهم سازد تا حکومت با شهروندان بیشتر پیوند داشته باشد. همچنین این فناوری‌ها قدرت تغییر روشی که حکومت‌ها عمل می‌کنند را دارا بوده و آنها را وادار می‌سازند تا در فرایندها، دموکراتیک‌تر و مسئولانه‌تر عمل نمایند (Michelson, 2006). در مقابل یافته‌های کیفی در مورد شبکه‌های سیاسی، یافته‌های کمی نشان می‌دهد که میانگین حضور شهروندان در شبکه‌های سیاسی افقی ۲۰۲۹ و در شبکه‌های عمودی ۱۰۷۲ است. به این معنا که حضور شهروندان در هر دو شبکه‌های سیاسی افقی و عمودی در سطح اندکی قرار دارد. به طور تفصیلی‌تر میزان حضور ۹۱ درصد شهروندان در شبکه‌های سیاسی زیر حد متوسط بوده و تنها ۹ درصد هستند که حضور فعالی در این شبکه‌ها دارند. در این شرایط یافته‌ها حاکی از آن است که شهروندانی که معتقدند آزادی‌های اجتماعی در جامعه وجود دارد و به نظام سیاسی اعتماد دارند حضور بیشتری در شبکه‌های سیاسی دارند.

همانطور که اشاره گردید پژوهش اندکی پیرامون مفهوم شبکه‌های سیاسی صورت گرفته است اما اگر حضور در شبکه‌های سیاسی را به عنوان یکی از مصادیق مشارکت سیاسی در نظر بگیریم یافته‌ها پیرامون تأثیر عوامل زمینه‌ای بر مشارکت سیاسی نشان می‌دهد دولت‌های قوی که میزان دسترسی رسمی به آنها کمتر بوده و ظرفیت‌شان برای کنش زیاد است، میزان مشارکت سیاسی را کاهش می‌دهند. همچنین دولت‌هایی که استراتژی

منحصراً سازی را بکار می‌گیرند یعنی دولت‌هایی که تهاجمی و متعصب هستند، هزینه مشارکت را افزایش می‌دهند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که چنین دولت‌هایی یا چنین استراتژی‌هایی حضور شهروندان در شبکه‌های سیاسی را کاهش می‌دهد (Vráblíková, 2010). از سوی دیگر آزادی سیاسی، بیگانگی سیاسی و رضایت از عملکرد دولت تمایلات سیاسی خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار داده و این دو بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان اثر می‌گذارند (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۸).

علاوه بر بستر سیاسی، حساسیت سیاسی شهروندان نیز بر حضور آنان در شبکه‌های سیاسی تأثیرگذار است. به طور کلی افرادی که حساسیت بالاتر دارند مشارکت بیشتری نیز دارند (پالیزیان، ۱۳۹۱). یافته‌ها حاکی است هر چه میزان حساسیت سیاسی شهروندان بیشتر باشد حضور در شبکه‌های سیاسی نیز بیشتر است. به بیانی دیگر شهروندانی که مطالب سیاسی را در مطبوعات و رسانه‌ها پی‌گیری کرده و همواره سعی می‌نمایند اطلاعات سیاسی به روزی داشته باشند، با یکدیگر بیشتر مشورت کرده و با مسئولان تعامل بیشتری دارند. نکته قابل توجه آنکه هر چند علاقه سیاسی متفاوت از حساسیت سیاسی است اما علاقه سیاسی نیز بر میزان مشارکت سیاسی تأثیرگذار است (Wright-Phillips, 2005; Vráblíková, 2010). به بیان دیگر علاقه به عنوان یکی از ابعاد مشارکت شناختی، تأثیر مثبتی بر مشارکت شهروندان دارد (Lou, 2008).

یافته‌های پژوهش حاضر همچنین نشان می‌دهد که حضور در شبکه‌های اجتماعی، حضور در شبکه‌های سیاسی را افزایش می‌دهد. حضور در شبکه‌های اجتماعی به معنای تعامل با همسایگان، افراد محله، حضور در انجمن‌های داوطلبانه و حضور در احزاب، در حقیقت سازوکاری را برای شهروندان فراهم می‌کند تا بتوانند نخست، محفلی برای بحث سیاسی با سایر شهروندان و مسئولان داشته باشند، دوم، حضور در این شبکه‌ها الزامات مشورت سیاسی و تعامل با مسئولان را در هر دو طرف نهادینه می‌سازد، چراکه آنان باید بیاموزند که هنجارهای سیاسی را در مقابل دیدگاه‌های واگرا پذیرا باشند، سوم، شبکه‌ها و احزاب قدرت شهروندان را در انتقال خواسته‌ها به دولتمردان و چانه‌زنی با آنان می‌افزایند. پوتنام در تئوری سرمایه اجتماعی خود مدعی است که بین شبکه‌های اجتماعی که اغلب از طریق عضویت در انجمن‌های داوطلبانه اندازه‌گیری می‌شود با مشارکت سیاسی همبستگی وجود دارد. چراکه عضویت سازمانی علاقه جمعی به امور سیاسی را تهییج می‌کند (McClurg, 2003). اعتماد اجتماعی در نظر شهروندان نیز به عنوان عامل اثرگذار دیگر بر

میزان حضور در شبکه‌های سیاسی است. در جامعه‌ای که آزادی‌های اجتماعی از شهروندان سلب می‌گردد، هزینه سیاسی افزایش یافته و اعتماد اجتماعی به اصلی الزام‌آور برای شکل‌گیری مشورت سیاسی تبدیل می‌شود.

یافته‌های ما همچنین نشان می‌دهد که هنجارپذیری سیاسی شهروندان با میزان حضور در شبکه‌های سیاسی همبستگی مثبت دارد. به این معنا که شهروندانی که بیان کرده‌اند حقوق مشارکت را برای سایر شهروندان پذیرا بوده و نسبت به دیدگاه‌های واگرا تحمل بیشتری دارند، بیشتر با سایر شهروندان پیرامون مسائل سیاسی صحبت کرده و با مسئولان تعامل بیشتری برقرار می‌سازند. در مورد جامعه‌پذیری سیاسی یافته‌ها حاکی از آن است که با میزان حضور در شبکه‌های سیاسی رابطه معناداری ندارد هر چند که این رابطه مثبت است. یعنی شهروندانی که اظهار کرده‌اند در محیط‌های دموکراتیک‌تری پرورش یافته‌اند حضور بیشتری نیز در شبکه‌های سیاسی دارند. تنها یافته‌های موجود، پیرامون ارتباط بین تمایلات سیاسی خانواده‌ها با مشارکت سیاسی است که بیان می‌کنند افرادی که در خانواده‌شان بحث سیاسی وجود دارد، و والدینشان رأی می‌دهند، مشارکت سیاسی بیشتری نیز خواهند داشت (Evans, 2009).

احساس کارآمدی سیاسی به معنای توانایی تحت تأثیر قرار دادن آنچه دولت انجام می‌دهد است که ارتباط مثبت معناداری با شبکه‌های سیاسی دارد. به این معنا که افرادی که اذعان کرده‌اند احساس کارآمدی سیاسی بیشتری دارند حضور بیشتری نیز در شبکه‌های سیاسی دارند. در مجموع تعداد زیادی از پژوهش‌ها استدلال می‌کنند که کارآمدی سیاسی یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم مشارکت سیاسی است (Wright-Phillips, 2005; Vrábliková, 2010). انتظار می‌رود فرهنگ مدنی خودمحور حاکم در یک جامعه شکل‌گیری شبکه‌های سیاسی را کاهش دهد. در چنین شرایطی شهروندان اساساً نیازی به مشورت با یکدیگر و تعامل با مسئولان برای انتقال دانش و نظرات خود ندیده و حتی تمایلی برای پذیرش آنچه از دیگران دریافت می‌کنند، ندارند چرا که همواره نظرات و تصمیمات خود را بهترین می‌پندارند. اما یافته‌های ما حاکی از ارتباط مثبت معنی‌دار بین این دو متغیر است. هرچند برای سنجش خودمحوری از مقیاس مورد استفاده در پیمایش سنجش ارزش‌ها و نگرش‌های ما ایرانیان (۱۳۸۲) بهره گرفته شده، اما به نظر می‌رسد برای سنجش دقیق‌تر این رابطه باید شاخصی بهتر با سؤالات بیشتر مطرح نمود تا بتوان پیرامون آن تصمیم‌گیری صحیحی داشت.

دانش سیاسی به معنای دانش از اصول حکمرانی، واقعیت‌های اصلی امور سیاسی و افراد و احزاب است (Delli Carpini, 2000). مطابق با یافته‌ها شهروندانی که دانش سیاسی بیشتری دارند، فعالانه‌تر در شبکه‌های سیاسی حضور دارند. هرچند وجود شبکه‌های سیاسی خود زمینه‌ساز ایجاد دانش سیاسی است، اما دانش از عرصه سیاسی شهروندان را نسبت به رویه‌های موجود برای تعامل با مسئولان آگاه ساخته و نقطه مشترکی بین شهروندان ایجاد می‌کند تا آنان بتوانند پیرامون آنچه می‌دانند با یکدیگر به شور بنشینند. در نهایت شهروندانی که از سازوکارهای فناوری ارتباطات و اطلاعات استفاده بیشتری داشتند، بیان نمودند که مشارکت بیشتری نیز در شبکه‌های سیاسی دارند. در حقیقت این سازوکارها دسترسی شهروندان به مسئولان و سایر شهروندان را تسهیل نموده و ارتباطات بین آنان را بهبود می‌بخشد. اینترنت نه تنها الگوی موجود مشارکت سیاسی آنلاین را تقویت نموده بلکه همچنین به الگوی جدید مشارکت سیاسی آنلاین نیز تحرک می‌بخشد. اینترنت شیوه مشارکتی آنلاین موجود را به شیوه آنلاین توسعه داده و مشارکت تازه‌واردین را در فضای سیاسی آنلاین تسهیل می‌کند (Nam, 2012). دولت الکترونیک و حکمرانی الکترونیک نیز که رواج گسترده اینترنت در اداره امور دولتی را منعکس می‌کنند محرکی برای توسعه اهداف سیاسی و اقتصادی مانند مدرن‌سازی اداری، توسعه اقتصادی و از همه مهم‌تر مشارکت تعداد فزاینده‌ای از شهروندان در فرایند دموکراتیک است (Biocanin, 2011). نظرسنجی برخط، تابلوهای اعلانات برای شکایات، نشست‌های تالار دیجیتال، محافل ختمشی دیجیتال از جمله ابزارهایی است که می‌تواند برای مشورت سیاسی و تعامل شهروندان - دولت بکار گرفته شود (Holzer, Zhang & Dong, 2004).

از میان همه این متغیرهای مستقل مورد مطالعه در این پژوهش، بیشترین میزان اثرگذاری بر حضور در شبکه‌های سیاسی از سوی شبکه‌های اجتماعی و سپس حساسیت سیاسی است. به این معنا که اولین الزام بهبود شکل‌گیری شبکه‌های سیاسی ایجاد شبکه‌های اجتماعی و سپس تقویت حساسیت سیاسی در بین شهروندان است. در نهایت از آنجا که شکل‌گیری شبکه‌های سیاسی الزامی به ارتباطات چهره به چهره ندارند، در فضای مجازی هم این امکان وجود دارد که شبکه‌هایی شکل گیرند که پیرامون مسائل مختلف گفتمانی منطقی داشته و انتقال‌دهنده منافع صنفی یا گروهی خود به دولتمردان باشند. به علاوه امکان دسترسی به مسئولان از طریق وبسایت‌های سازمانی‌شان ساده‌ترین مسیری است که تقریباً در همه وبسایت‌ها طراحی شده اما فاقد کارکرد است. فعال کردن این مسیر می‌تواند با انتقال

مسائل عمومی به مسئولان اعتماد سیاسی را نیز بهبود بخشد. به عنوان نمونه دیگر، شکل‌گیری محافلی مانند سرای محله این امکان را برای افراد یک محله فراهم کرده تا بتوانند پیرامون مسائل مختلف با یکدیگر گفتگو کنند. یا طرحی تحت عنوان شکوفا به معنای شهروندی کارآمد و فناوری اطلاعات بر آن است تا از میان مردم، همراه مردم و با مردم راهی برای مردم بگشاید. ایجاد خانه فناوری اطلاعات در قالب سرای محله و راه‌اندازی کانون‌های مربوطه، تخصیص سایت (ساب پرتال) برای هر محله، ایجاد شبکه‌های اجتماعی مجازی پایتخت یا همان سامانه مدیریت محله، از اقدامات صورت گرفته شهرداری تهران برای آگاهی از درخواست‌ها، نیازها و مشکلات شهروندان است.^{۱۷}

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|---|---|
| 1. Deliberative function | 11. Across to other citizen groups |
| 2. Rho | 12. Up to policy makers |
| 3. Setting the agenda for public issues | 13. Traditional talkers |
| 4. Public voice | 14. Instant message |
| 5. Centrality | 15. Political engagement |
| 6. Barber, Mansbridge, Mathews | 16. Open mindedness |
| 7. Forum | ۱۷. برای اطلاع بیشتر از این طرح به پرتال شهر تهران مراجع شود. |
| 8. Political discussion | (WWW.MyTehran.ir) |
| 9. Political talk | |
| 10. Political conversation | |

منابع

- پالیزبان، محسن. (۱۳۹۰). بررسی میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن. فصلنامه سیاست ۴۱ (۲)، ۳۳-۴۹.
- کریبندورف، کلوس. (۱۳۸۶). تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی. ترجمه هوشنگ ناییبی. تهران: نی.
- هاشمی، سید ضیاء، فولادیان، مجید، و زینب فاطمی‌امین. (۱۳۸۸). بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران. پژوهشنامه علوم سیاسی ۵ (۱)، ۱۹۹-۲۲۶.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۲). یافته‌های پیمایش در ۲۸ مرکز استان کشور؛ ارزش‌ها و نگرش‌های ما ایرانیان / موج دوم.
- Biocanin, S. (2011). *E-governance within municipality*. Ms Thesis, Norwegian University of life science

- Booth, J. A., & Richard, P. B. (1996). Repression, participation and democratic norms in urban Central America. *American Journal of Political Science*, 40(4), 1205-1232.
- Boyd, O. P. (2008). Differences in E-Democracy parties' E-Participation systems. *Information Polity*, 13, 167-188.
- Cook, F. L., Delli Carpini, M. X., & Jacobs, L. R. (2007). *Who deliberates? discursive participation in America*. In deliberation, participation and democracy: can the people govern? Edited by Shawn W. Rosenberg. New York, Palgrave Macmillan.
- Creswell, J. W., & Plano Clark. (2007). *Designing and Conducting Mixed Methods Research*, Sag publication.
- Delli Carpini, M. X. (2000). In search of the informed citizen: what Americans know about politics and why it matters. *The Communication Review*, 4(1), 129-164.
- Evans, H. K. (2009). *The young American voter: the political participation of college & non-college youth*. PhD Thesis, Indiana University.
- Holzer, M. (2004). *Restoring trust in government: the potential of digital citizen participation*. Proceedings of the Second Sino-U.S. International Conference: Public Administration in the Changing World. Beijing, China, May 24-25.
- Gastil, J. W. (1994). *Democratic citizenship & the national issues forums*. PhD Thesis, University of Wisconsin-Madison.
- Kaye, B. K., & Johnson, T. J. (2002). Online and in the Know: Uses and Gratifications of the Web for Political Information. *Journal of Broadcasting & Electronic Media*, 46(1), 54-71.
- Kim, J. (2006). The impact of Internet use patterns on political engagement: A focus on online deliberation and virtual social capital. *Information Polity*, 11, 35-49.
- Lenihan, D. G. (2008). *Realigning governance: from e-government to e-democracy*.
<http://www.google.com/search?hl=en&output=search&scient=psyab&q=.+Lenihan%2C+Donald+G.+%282008%29.+Realigning+governance%3A+from+e-government+to+e-democracy>.
- Lou, D. (2008). *Political participation & transformation in urban China, 1993 & 2002*. PhD Thesis, Texas A&M University.
- Magno, C. (2000). *Gender & democracy: exploring the growth of political capital in women's NGO in Israel*. PhD Thesis, university of Columbia.

- McClurg, S. D. (2003). Social networks and political participation: the role of social interaction in explaining political participation. *Political Research Quarterly*, 56(4), 449-463.
- Michelson, E. S. (2006). Clicking toward development: Understanding the role of ICTs for civil society. *The Journal of Technology Studies*, 53-63.
- Morales, L., & Ramiro, L. (2011). Gaining political capital through social capital: Policy making inclusion and network embeddedness of migrants association in Spain. *Mobilization: An International Journal*, 16(2), 147-164.
- Nam, T. (2012). Dual effects of the internet on political activism: Reinforcing and mobilizing. *Government Information Quarterly*, 29, 90-97.
- Paxton, P. (2002). Social capital & democracy: an interdependent relationship. *American Sociological Review*, 67(2), 254-277.
- Ramsey, A. (2008). *Contemporary patterns of democratic norms & political participation in Mexican*. Master Thesis, University of North Texa.
- Rho, S. (2004). *Citizen-government interaction and its effects on trust in government*. PhD Thesis, New Jersey University.
- Shabbir Cheema, G. (2007). *Public administration & democratic governance: governments serving citizens*. 7th Global Forum on reinventing government building trust in government 26-29 June, Vienna, Austria
- Thomson, T. L. (2007). *Examining dimension of political discussion and political knowledge*. PhD Thesis. The Ohio State University.
- United Nation. (2012). E-Government: E-government for the people.
- Vráblíková, K. (2010). *Contextual determinants of political participation in democratic countries*. Paper presented at the conference on "Civic, Political and Cultural Engagement Among Migrants, Minorities and National Populations: Multidisciplinary Perspectives", Centre for Research on Nationalism, Ethnicity and Multiculturalism (CRONEM), University of Surrey, Guildford, UK, June 29th-30th.
- Walsh, K. C. (2007). *The democratic potential of civic dialogue*. In deliberation, participation and democracy: can the people govern? Edited by Shawn W. Rosenberg. New York, Palgrave Macmilan.

- Wright-Phillips, M. V. (2005). *Mass media & political participation: does news sources matter?*. Master Thesis, Southern Illinois University.
- Zukin, C., Keeter, S., Andolina, M., Jenkins, K., & Delli Carpini M. X. (2006). *A new engagement: political participation, civic life, and the changing American citizen*. New York, Oxford University Press.